

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ نومبر ۲۰۲۰

مناسبات "گلبدین" و "طالب"!

۲

دوشنبه- ۱۱ عقرب ۱۳۹۹ - کابل:

۲- اختلافات "گلبدین" با "طالب":

گذشته از اختلافات روانی در طرز بینش "گلبدین" که خود را "حق مطلق" می داند و بقیه نفوس کشور را یا "باطل مطلق" و یا "صغیر شایسته داشتن قیم"، خود مرکز بینی برخاسته و مبتنی بر همین طرز دید، اختلافات وی را با طالب، به قبل از ایجاد باندی به نام "حزب اسلامی" و تشکلی به نام طالب، یعنی به گذشته های دور برمی گرداند. زیرا:

* - با استناد به گفته تمام آنهایی که زمانی در پوهنتون کابل با "گلبدین" هم دوره بودند، هرچند تمام آنهایی که به اخوانی معروف بودند و یا شدند، نسبت به قشر ملا نه تنها برخورد خصمانه و فاقد احترام داشتند، بلکه با تمام قواء می کوشیدند تا با اهانت و توهین به آن قشر و ایجاد خط فاصل بین خودشان و قشر ملا- به خصوص برگزیدگان آنها- و با پای گذاشتن بر کرامت انسانی آنها، برای خود شخصیت و اعتباری کمائی نمایند؛ با وجود آن در بین همه اخوانی ها مواضع "گلبدین" همیشه هتاکانه تر و موهن تر بود.

* - با فرار داعیان اسلام سیاسی یعنی اخوانی ها به پاکستان و سرمایه گذاریهای "آی. اس. آی." بر آنها و رقابت سخت و تنگاتنگی که بین آنها آگاهانه از جانب "آی. اس. آی." دامن زده می شد، تقریباً صف بندی ها و قطب بندی ها بین آنها با گذشت هر روز تشخص بیشتر می یافت. از یک جانب به مشوره و صوابدید "آی. اس. آی."، فضا قسمی عیار می گردید تا تاجیک ها همه به دور "برهان الدین ربانی" جمع شوند و پشتونها به دور "گلبدین"، از جانب دیگر در بین پشتونهای که به پاکستان می خواست همه به دور "گلبدین" جمع شوند، افرادی وجود داشت مانند "مولوی یونس خالص" که علناً می گفت نماز در پشت "گلبدین" باطل است. این موضعگیری "مولوی خالص" که تعداد زیادی از ملا های دیگر را با خود داشت، به قیمت تضعیف مادی و معنوی "گلبدین" تمام شد، بر نفرت "گلبدین" از قشر ملا افزوده، در کمتر محفل سخنرانی بود که "گلبدین" صحبت نموده باشد و بر قشر ملا حمله نموده باشد.

* - وقتی بعد از فاجعه هفت ثور، قشر ملا نیز به مانند بقیه مردم مهاجرت به پاکستان را آغاز نمودند و به خصوص با رسیدن ملائی در قد و قامت "مولوی محمد نبی محمدی" که هم از اعتبار و رسوخ قومی بیشتر نسبت به افرادی مانند

"گلبدین" برخوردار بود و هم در کارنامه اش، لت و کوب "ببرک" و "اناهیتا" را در داخل پارلمان شاهی، نیز داشت و این که در اسرع وقت و با تشکیل تنظیم "حرکت انقلاب اسلامی افغانستان" علی رغم بی عدالتی های دولت پاکستان حین توزیع سلاح به مقاومت رسمی و تقویت بیشتر باند "گلبدین" نسبت به بقیه تنظیم های جهادی، باز هم "حرکت انقلاب" مولوی "نبی" در سرتاسر افغانستان گسترش پیدا کرده در برخی از جبهات پوزه افراد باند "گلبدین" را به خاک مالیدند، تضاد بین "گلبدین" و قشر ملا عمیقتر شده رفت.

* - با سقوط دولت دست نشانده روس و حاکمیت جهادی ها، در حالی که "گلبدین" به دستور ولینعمت هایش در اسلام آباد، بر مردم کابل آتش و گلوله پرتاب می نمود و صد در صد مطمئن بود، که سرانجام نیروهای ملیشای پاکستان به کمک وی خواهند شتافت، و وی را بر "تخت کابل" خواهند نشاند، به یک باره مطلع شد که پاکستان، تمام ملاها را به دور یک ملای دیگری به نام "ملا محمد عمر" جمع نموده، با تقبیح حرکت و کردار "گلبدین" و "ربانی" یعنی دو توله سگی که در تمام مدت به دستور پاکستان جفیده و دم شورانده بودند، قصد زعامت بر افغانستان را دارد.

* - از آن زمان تا اکنون همیشه از "گلبدین" التجاء و در خواست بوده و از "طالب" امتناع و عدم پذیرش.

یعنی حداقل از زمان فرار حاکمیت جهادی ها از کابل، تا به امروز "گلبدین" رسماً از طریق رسانه ها بیش از ۵ بار اعلام داشته است که حاضر است زعامت، "طالب" را بپذیرد، مگر در تمام این مدت سیاست "طالب" در مورد "گلبدین" و باندش دوگانه بوده است. یعنی در حالی که در مورد خودش سکوت نموده اند، افرادی را در تمام نقاط افغانستان به خود جذب کرده اند، این که چرا چنین می کردند و چه عاملی باعث شده است تا اینک، سکوت در مورد وی را شکسته، خواستار حضور آنها در مذاکرات صلح گردند، بحثی است که در قسمت سوم این مختصر بدان خواهیم پرداخت.

ادامه دارد